

تحلیل ژئوپولیتیک ۲۰۲۶ و آینده زنجیره تأمین | فرهاد غلامی

تحلیل ژئوپولیتیک ۲۰۲۶ و آینده زنجیره تأمین | فرهاد غلامی

نوشته: فرهاد غلامی | تحلیلگر ژئوپولیتیک و استراتژیست مسیر زندگی
در مهاجرت

فرهاد غلامی؛ کسی که در انبار کاه ژئوپولیتیک، به دنبال سوزن می‌گردد. من فرهاد غلامی هستم؛ تحلیلگر زنجیره تأمین و ژئوپولیتیک. اگر بخواهم ساده‌تر توضیح دهم، تمرکز اصلی من شناسایی همان «نقاط حساس و کمتر دیده‌شده» در میان حجم انبوه داده‌ها، اخبار و تحولات سیاسی و اقتصادی جهان است؛ نقاطی که می‌توانند مسیر آینده افراد و کسب‌وکارها را به‌طور جدی تغییر دهند.

پیش‌زمینه تحصیلی من در حوزه مدیریت و بازاریابی شکل گرفته، اما مسیر حرفه‌ای‌ام مرا به سمت تحلیل فاندمنتال و بررسی پیوند میان سیاست، اقتصاد جهانی و زنجیره‌های تأمین سوق داده است. در این چارچوب، تلاش می‌کنم با درک جهت‌گیری روندهای کلان و «بادهای غالب جهانی»، سناریوهای محتمل‌تری برای آینده اقتصادی، سرمایه‌گذاری و حتی تصمیم‌های مهاجرتی ترسیم کنم؛ نه به‌عنوان نسخه قطعی، بلکه به‌عنوان ابزاری آگاهانه‌تر برای تصمیم‌گیری.

در محتوایی که در یوتیوب و تیک‌تاک منتشر می‌کنم، هدفم ساده‌سازی مفاهیمی است که معمولاً پیچیده یا دور از زندگی روزمره به نظر می‌رسند. باور دارم سیاست و بیزنس، برخلاف تصور رایج، موضوعاتی انتزاعی یا صرفاً نخبگانی نیستند؛ بلکه به‌شکل مستقیم با معیشت، امنیت شغلی و کیفیت زندگی ما گره خورده‌اند. تلاش من این است که این ارتباط پنهان را شفاف‌تر و قابل‌درک‌تر نشان دهم.

این مقاله نتیجه‌ی ۱۸ سال تجربه زیسته من در اروپا است؛ از مسیر پناهندگی در یونان تا تحصیل و کار حرفه‌ای در فنلاند و همکاری با نهادهای شهری. این یک تحلیل کتابخانه‌ای نیست؛ بلکه یک روایت میدانی از دنیای واقعی است.

چرا تحلیل ژئوپولیتیک ۲۰۲۶ مهم است؟

در هفته‌ی اول سال ۲۰۲۶ هستیم و من این مقاله را می‌نویسم. اگر بخواهیم آینده را کمی جلوتر از نوک بینی‌مان ببینیم، به نظر می‌رسد فاصله‌ی ما تا یک آینده‌ی واقعاً روشن و صلح‌آمیز، احتمالاً هنوز چند دهه باشد. دلیلش هم عجیب نیست: ما در چند دهه‌ی گذشته - حداقل در مقیاس جهانی - دوره‌ای نسبتاً آرام‌تر از بسیاری از مقاطع تاریخی را تجربه کرده‌ایم. اما شواهد و روندهای فعلی نشان می‌دهد که این دوره‌ی آرامش ممکن است کم‌کم به ایستگاه آخرش نزدیک شود.

افزایش تنش‌های ژئوپولیتیکی، جنگ‌های منطقه‌ای، بحران انرژی، تورم جهانی، رشد پوپولیسم سیاسی و رقابت شدید قدرت‌های بزرگ، همه نشانه‌هایی از یک تغییر ساختاری هستند. ما وارد دوره‌ای شده‌ایم که در ادبیات سیاسی به آن می‌گویند: **Interregnum**؛ دوره‌ای که نظم قدیم مرده، اما نظم جدید هنوز متولد نشده است. این دقیقاً خطرناک‌ترین دوره تاریخ است.

سه قدرت بزرگ جهان: آمریکا، چین و روسیه

اگر بخواهیم صادق باشیم، امروز دو بازیگر اصلی صحنه جهانی آمریکا و چین هستند؛ دو کشوری که هر حرکتشان می‌تواند روی جیب، شغل و آینده‌ی همه‌ی ما اثر بگذارد. روسیه هم بازیگر مهمی است، اما بیشتر در نقش اهرم فشار انرژی و نظامی ظاهر می‌شود.

آمریکا و چین؛ ازدواجی اجباری

برگردیم کمی عقب‌تر. در سال ۱۹۷۱، در دوران نیکسون، دلار آمریکا عملاً به ستون اصلی معاملات نفتی جهان تبدیل شد. چند سال بعد، در دهه ۱۹۸۰، آمریکا استراتژی‌اش را تغییر داد و چین را تشویق کرد

درهایش را به روی صنعت، فناوری و سرمایه غرب باز کند. نتیجه چه شد؟ چین شد کارخانه‌ی جهان و آمریکا شد مصرف‌کننده‌ی جهان.

امروز چین بزرگ‌ترین صادرکننده جهان و آمریکا بزرگ‌ترین واردکننده است. این یعنی وابستگی متقابل عمیق؛ نه عشق است و نه دشمنی، بلکه چیزی شبیه یک ازدواج اجباری است. بدون هم سخت می‌شود و با هم نیز دردسر دارد. آمریکا دوست دارد همچنان رئیس بلامنازع دنیا باشد، اما چین حاضر نیست شاگرد کلاس بماند. چین می‌خواهد روابط تجاری منصفانه‌تر باشد و آمریکا می‌خواهد همیشه یک پله بالاتر بایستد.

دیدگاه راهبردی من: این دقیقاً همان چیزی است که در جلسات مشاوره به مراجعانم توضیح می‌دهم: تصمیم مهاجرت یا سرمایه‌گذاری دیگر فقط به حقوق ماهانه ربط ندارد؛ بلکه به این بستگی دارد که در کدام سمت صفحه شطرنج جهانی ایستاده‌اید.

دلار، انرژی و نقره؛ سه‌گانه حساس قرن ۲۱

▪ **دلار:** آمریکا تلاش می‌کند چین همچنان خریدار اوراق قرضه دلاری بماند؛ چراکه اگر چین تصمیم بگیرد به‌طور گسترده از این اوراق خارج شود، بازارهای مالی آمریکا به‌شدت تحت فشار قرار می‌گیرند.

▪ **انرژی:** چین تشنه انرژی است. تقریباً ۵۰٪ انرژی چین از خاورمیانه و ۲۰٪ آن از روسیه تأمین می‌شود. یعنی هر آشوبی در خاورمیانه، مستقیم به خط تولید چین ضربه می‌زند.

▪ **نقره و هوش مصنوعی:** اقتصاد آینده وابسته به AI است و یکی از فلزات کلیدی آن نقره است. نقره به دلیل رسانایی بالا، در چیپ‌ها، باتری‌ها، خودروهای برقی و تجهیزات مخابراتی کاربرد حیاتی دارد. بیش از ۶۰٪ زنجیره تأمین نقره صنعتی جهان تحت کنترل چین است و این کشور صادرات آن را محدود کرده است. تفاوت بزرگ اینجا است که در آمریکا نقره بیشتر مالی و کاغذی است، اما در چین نقره واقعی وارد کارخانه شده و به محصول تبدیل می‌شود. این تفاوت «قدرت واقعی» است.

روسیه، خاورمیانه و سناریوی بحران انرژی

روسیه یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان انرژی دنیاست، اما چین نمی‌تواند یک‌شبه وابستگی‌اش را از خاورمیانه به روسیه منتقل کند؛ زیرا زیرساخت، لوله‌کشی و سرمایه‌گذاری در این حوزه پروژه‌هایی چند دهه‌ای هستند. اگر خاورمیانه وارد آشوب گسترده شود، تولید چین ضربه می‌خورد، صادرات کاهش می‌یابد و اقتصاد جهانی لرزان می‌شود. در اینجا انرژی تبدیل به ابزار جنگ ژئوپولیتیک می‌شود.

آمریکای لاتین؛ بازی زیرپوستی

ماجرای ونزوئلا فقط نفت نیست؛ بحث اصلی جلوگیری از نفوذ چین است. آمریکای لاتین دارای منابع نقره، مس، لیتیوم و فلزات استراتژیک است. برای آمریکا، این منطقه نباید به حیاط خلوت چین تبدیل شود.

اروپا؛ قاره‌ای در دوراهی

اروپا با بحران انرژی، جنگ اوکراین، فشار اقتصادی و سیاست‌های متناقض دست‌وپنجه نرم می‌کند. وابستگی به انرژی روسیه، اروپا را آسیب‌پذیر کرده است. نشانه‌ها می‌گویند که اروپا در دهه‌ی آینده با ریسک‌های ساختاری جدی روبه‌روست.

تایوان؛ قلب زنجیره تأمین جهان

تایوان تولیدکننده اصلی چیپ و قلب صنعت الکترونیک است. هر تغییری در وضعیت تایوان بر موبایل، خودرو، لپ‌تاپ و اینترنت اثر می‌گذارد. اینجا فقط بحث چین نیست، بلکه بحث آینده تکنولوژی بشر است.

دوره گذار تا ۲۰۴۰

ما در یک دوره تاریخی هستیم؛ نه فروپاشی ناگهانی، بلکه تغییر تدریجی، پرتنش و چندمرحله‌ای. این فرآیند احتمالاً تا ۲۰۴۰ یا بعد

از آن ادامه دارد. سیستم جدید چندقطبی، ناپایدار و مبتنی بر فناوری خواهد بود.

این تحلیل چه ربطی به زندگی تو دارد؟

اینجا دقیقاً نقطه اتصال مقاله به برند شخصی من است. من این تحلیل‌ها را برای سرگرمی نمی‌نویسم؛ بلکه برای تصمیم‌سازی می‌نویسم. در جلسات کوچینگ، مواردی همچون سن، سرمایه، مهارت، تیپ شخصیتی و تحمل ریسک را بررسی می‌کنم و بعد می‌گویم کدام کشور، کدام مدل اقامت و کدام بیزنس برای تو منطقی‌تر است. هیچ نسخه‌ای برای همه جواب نمی‌دهد.

تفاوت من با مشاوران معمولی

بیشتر مشاوران مهاجرت فرم و قانون بلدند، اما من نقشه جهان را می‌خوانم. من فقط نمی‌گویم فنلاند خوب است یا آلمان بد است؛ بلکه می‌گویم امروز خوب است، اما فردا ممکن است سقوط کند. این یعنی تصمیم استراتژیک، نه احساسی.

دارایی نامرئی؛ سلاح قرن ۲۱

در دوره گذار، پول نقد امنیت نمی‌آورد و پاسپورت تنها کافی نیست. آنچه مهم است برند شخصی، مهارت بین‌المللی و دارایی دیجیتال است. مهارت‌های طلایی عبارتند از:

- دیجیتال مارکتینگ
- تحلیل بازار
- طراحی سرویس
- تولید محتوا
- برنامه نویسی
- زبان انگلیسی تخصصی

اگر می‌خواهید تصمیم مهاجرت یا بیزنستان بر اساس شانس نباشد، می‌توانید از **جلسه مشاوره معارفه رایگان** استفاده کنید. در این جلسه شرایط شما بررسی می‌شود، ریسک‌ها شفاف شده و نقشه شخصی شما طراحی می‌گردد؛ بدون وعده‌های رویایی، بدون شعار، واقعی و استراتژیک.

سخن پایانی

این مقاله فقط تحلیل نبود؛ نقشه راه بود. دنیا در حال تغییر است. سؤال این نیست که تغییر می‌کند یا نه؛ سؤال این است: **تو در کدام سمت این تغییر ایستاده‌ای؟**